

۱۴۴۹۱۳۷

آواز پری‌ها

پری‌زنگنه



فهرست برگه

سرشناسه : زنگنه، پری، ۱۳۱۸
عنوان و پدیدآور : آواز پری‌ها / پری زنگنه
مشخصات نشر : تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : [۲۸۷ ص].
شابک : 978-964-5506-49-8 .

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

موضوع : زنگنه، پری، ۱۳۱۸ -- خاطرات.
موضوع : زنان آواز خوان -- ایران -- خاطرات.
موضوع : آوازخوانی -- آموزش.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ML۴۳۰/۹۲۳
مندی دیویی : ۷۸۹/۳۰۹۲
شماره کتابخانه ملی : ۳۶۵۲۰۱۳

آواز پری‌ها

نوشته: پری زنگنه

اب اول: ۱۳۹۵

حروف، نثری و صفحه‌آرایی: فریبا محبی

طراح جلد و گرافیک: آزاده عسگری

چاپخانه: طرفه پیراز: ۱۲۰۰ جلد

ISBN: 978-964-5506-49-8

ش.ا.ب.ک.: ۸-۴۹-۵۵۰۶-۹۶۱-۹



دفتر و نمایندگی شرکت کتابسرا

شماره گواهینامه ایزو 1002566-TIC-1405

خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دلافرور، شماره ۱۷، تهران

کد پستی: ۱۵۱۱۷۳۸۹۵۱، ساختمان کتابسرا

تلفن: ۸۸۷۱ ۶۱۰۴ - ۸۸۷۱ ۷۶۳۶ - ۸۸۷۱ ۲۴۷۹

فکس: ۸۸۷۱ ۷۸۱۹، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۸۴۴۶

KETABSARA@KETABSARA.ORG

WWW.KETABSARA.IR

فهرست مطالب

۶	زندگی پری وار
۹	پیش درآمد
۱۱	من و آواز
۴۵	بازتاب صدای من از صحنه‌ها تا استودیوها
۸۵	• بحک، موسیقی علمی در ایران
۱۰۱	باترن و آواز
۱۰۳	بالا رفتن بررسی ارت و اپرا در ایران
۱۱۵	شما هم با من آواز بخوانید
۱۱۷	سرآغاز آواز
۱۲۳	جایگاه صدای انسان در تاریخ موسیقی
۱۲۵	پیدایش اپرا
۱۳۱	سرچشمه‌ی آوازهای میهن ما
۱۳۷	صدای انسان و اندام‌های صدا ساز
۱۳۹	عوامل مؤثر بر صدای انسان
۱۴۳	آشنایی مقدماتی با مفاهیم صوت شناسی
۱۴۵	شرح پرورش صدا
۱۴۹	انواع صداها
۱۵۹	تمرین‌ها: تربیت و پرورش حنجره و صدا
۱۷۷	سال‌های مناسب آموزش و کناره‌گیری از صحنه
۱۷۹	بهداشت و تغذیه‌ی مناسب برای سلامت صدا
۱۸۵	آمادگی برای اجرا و کنسرت
۱۸۷	نکات قابل ملاحظه برای خواننده
۱۹۵	وظایف برگزارکنندگان
۱۹۹	چگونه کنسرتی برگزار می‌شود؟
۲۰۳	فرجام سخن
۲۰۵	آهنگ نام‌ها در یاد من
۲۴۹	تصاویر

زندگی پری وار

نویسنده‌ی این کتاب، خواننده‌ای است نامدار که در بین ایرانیان و موسیقی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این هنرمند، از بزرگ‌ترین اپراهای جهان تا آوازهای محلی این سرزمین، کارنامه‌اش مزارنگ دارد. شاید وی تنها خواننده در موسیقی معاصر ایران باشد که به حیطه‌ی خوانندگی محدود نمانده و اپرای عظیم زندگی خود را با هدایت سرنوشت، نوشته و خوانده است.

معرفی کردن پری رخ شاه‌یلانی (پری رخ)، یعنی کسی که زندگی‌اش تعریف تازه‌ای از زندگی است، کار ساده‌ای نیست. او مصداق کاملی از سرشت و سرنوشت "بتهوونی" است: انسانگرایی پر شور و خستگی‌ناپذیر که سهم‌آیندترین تران‌های تقدیر را پشت سر گذاشته و کماکان خود بر زندگی خود حکمروایی می‌کند.

زیر و بم‌های دلنشین صدای پری مثل عطر هوای باران خورده‌ی بهاری یا بوی خوش یک دشت سرسبز در یک روز آفتابی، روح را تازه می‌کند. آوای او با انگشت بوانش گواهی است بر نیروی زندگی بخش هنر.

او شعر و شور را از کاشان، دیار پدر، و طراوت و لطافت را از طبیعت گیلان، زادگاه مادر، در صدا دارد. آواز را از کودکی و از نیمکت‌های "کودکستان ایران" با نام پری رخ شاه‌یلانی آغاز کرد و این هنر برانده‌اش را تا "دبستان بزرگمهر" و "دبیرستان طبری" و "هنرستان عالی موسیقی" با خود برد. تحصیلات عالی موسیقی را در ایتالیا، آلمان و اتریش ادامه داد و از همان زمان کنسرت‌های بیشمارش را در سراسر جهان اجرا کرد و آثار بسیاری در طیف گسترده‌ای از اپراها، لیدها و آریاها تا لالایی‌ها، ترانه‌های کودکان، آوازهای محلی و

آثار شاعران گذشته و امروز را به همهی دوستدارانش هدیه کرد. نوآوری پری زنگنه در اجرای ترانه‌های محلی ایران به شیوهی موسیقی علمی و جهانی، یکی از ماندگارترین یادگارهای هنری اوست.

آواز خواندن، آن هم در این سطح و با این درجه از موفقیت، تمام زندگی او نبوده و نیست. هنر آواز، تنها یکی از جنبه‌های شخصیت اوست. صدای خوش وی وسیله‌ای شد که بتواند بخشی از داستان تلاطم‌ها و هیجان‌های روح پویای خود با آن بیان کند. پری در هر راه که با گذاشته، خصلت کمال‌طلبی خود را در ذات و زندگی‌اش داشته و سعی کرده که آن را تا آخرین حد توان و امکان به ظهور برساند.

شاید اگر حادثه رخ پاد ز ۱۳۴۹ رخ نمی‌داد، اکنون پری رخ شاه‌یلانی را در عرصه یا عرصه‌های دیگر می‌شناختیم. آن سانحه‌ی رانندگی، صدور حکم اقامت اجباری در سرزمین آواز و برگه‌های خدمت به جامعه‌ی نابینایان ایران بود؛ حادثه‌ای که شور هنری وی را با عشق به خدمت درآمیخت و از آن پس در هر صحنه‌ای که ظاهر شد، به آگاهی بخشی جامعه نسبت به این نیاز و حمایت همه‌جانبه از آنان پرداخت.

پری زنگنه افزون بر دستاوردی بسیار زنده‌ها ترانه و آواز، آثار نوشتاری ارزشمندی نیز منتشر کرده است، آثاری که هم شوق او را به کردکان و کودکی می‌نماید و هم همت وی را در پژوهش‌های فرهنگی و هنری و البته اجتماعی بازتاب می‌دهد.

علاقه‌های فرهنگی و انسانی خانم شاه‌یلانی طیف گسترده‌ای را شامل است: گردآوری فرهنگ نام‌های اصیل و نژاده‌ی ایرانی، نگارش تصانیف که دکانه، وصف و بیان تجربه‌های زندگی در نابینایی، تاریخچه‌نویسی از هنرستان عالی موسیقی و هنرمندانش، سرودن شعر و قطعه‌های کوتاه، عشق‌ورزی به طبیعت و سرگل‌آرایی و انتشار کتابی در این زمینه که از تجربه‌های دو سال زندگی او در ژاپن است، اجرای موسیقی آوازی در سطوح گوناگون هنری - فرهنگی و... هر کدام جلوه‌ای درخشان هستند از وسعت چهره‌ی انسانی و ابعاد گوناگون روح سیری‌ناپذیر و زیبایی‌طلب او. همین‌جاست که می‌توان با اطمینان گفت پری زنگنه، تنها یک هنرمند و تنها یک طبیعت‌پرست انسان‌دوست ایران‌گرا نیست. جالب این که کتاب حاضر هم چندین و چند بُعد دارد، درست نظیر مؤلف آن. از این رو برای خوانندگان زمینه‌های متعددی از

موسیقی قابل استفاده است. بخش شرح احوالات شخصی خانم شاه‌یلانی، حتی برای علاقه‌مندان و پژوهشگران تاریخ موسیقی معاصر ایران، جذاب و پر از نکته‌های ناگفته و ناشنیده است. در بخش "آهنگ نام‌ها در یاد من" باروحیه‌ی سپاسگزاری و فروتنی خود از کسان بسیاری یاد می‌کنند که در طول زندگی هنری‌شان همراه بودند و به نوعی در ساختن دوباره‌ی این زندگی نقش داشته‌اند؛ از هنرجویان و هنرآموزان تا استادان و هنرمندان در جای جای این جهان.

زندگی مه‌نویسی خانم زنگنه با توجه به موفقیت‌ها، جایزه‌ها، افتخارات و موقعیت‌های داخلی و خارجی با فروتنی و همچون برش‌هایی کوتاه از زندگی‌ای پر فراز و فرود نوشته شده است. از گذشته از علاقه‌مندان به تاریخ‌نگاری و شخصیت‌شناسی موسیقی معاصر ایران، هنر بریان آواز نیز می‌توانند نهایت بهره را از این نوشته‌ها ببرند، زیرا علاوه بر مسائل نظری به تفصیل، کتاب حاضر حاوی دستاوردها و تجربیات سال‌ها فعالیت حرفه‌ای این هنرمند است.

نوشتن درباره‌ی تجربه‌ها، آن هم با این سادگی و به این حد روشن و صمیمی، کار ساده‌ای نیست، گو این که کتاب حاضر دانشی‌هایی را در خود نهفته دارد که فراتر از واژه‌های تکراری است.

میرعلیرضا میرعلی‌نقی

پژوهشگر تاریخ موسیقی معاصر ایران

پیش درآمد

آنچه مرا به نوشتن این کتاب برانگیخت، طنین خاطراتی است که در زندگی هنری ام مَترنم است، نه تصنیف رسیدن به پایان. زیرا هنوز هم می‌خواهم بخوانم؛ بخوانم بار دیگر باشعر سهراب سپهری، به زبانی صدای پای آب؛ آوا سردهم در نی سحرآمیز موتسارت؛ بخوانم از غربت شومان، ریمز، کنداز: نوای دخترکی که در زیر درخت فندق زمزمه‌های عاشقانه می‌کرد؛ و بخوانم از شوبرود، دخترک نخریس را؛ نوای کلیسایی برآورم از باخ؛ بخوانم از آن ترانه‌هایی که در زیر درختان دیرستان، صدای دلکش و پوران شاپوری را می‌داد؛ از نواهای لالایی‌های کودکی، از دیار خودمان تا پای گهواره‌ی هر کودکی از اقلیم‌های دیگر، سرو و صنوبرهایی که جوانه‌ها را سبز و پر بار رویدند تا آن‌ها هم بخوانند و لالایی‌هایشان را در گوش نهال‌های نر ریمزه، کنند؛ بخوانم از ترانه‌های شورانگیز محلی از دامنه‌های کوه‌های بختیاری و شایبای گیلان تا کویرهای ستاره‌باران سرزمینم ایران. می‌خواهم بخوانم در آن صحنه‌های پر از درد و صدا و غریو دست‌زدن‌ها. نمی‌خواهم پا از این صحنه‌ها بیرون بگذارم، قبل از آنکه صحنه‌ی زندگی را ترک کنم. اما شمارش بهاران زندگی که ملاک قانون زیستن است، می‌گوید که باید آن را رها کرد تا این سمفونی نیز به نت سکوت برسد.

این کتاب را به کسانی که سال‌هاست از من و کارهایم سراغ می‌گیرند و به دوستداران دیروز و هرجویان امروز پیشکش می‌کنم.